



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱



## بسمه تعالی

پیشگفتار - خطاب به ملت ایران

ملت معظم و رشید ایران - انقلاب را قانونی کنید

تعادل موازنه روحی را در قانون اساسی تثبیت نمائید که: خصلت کل یک سیستم قانونی بر موازنه مثبت و منفی استوار است. همانگونه که قوه مجریه حق دارد از متخلف پیشگیری نماید شما هم پیشگیری از تخلف قوه مجریه حق رسمی دارید. بکوشید تا روحیه فرزندانان بدین بهانه که ملت رأساً حق اقدام ندارد و باید حتماً از طریق قوه مجریه اقدام گردد خرد نشود.

هنوز از آن زمان چیزی نگذشته است که اگر کسی از یک پلیس شکایت داشت میگفتند باید به مافوق او شکایت کنی و همینگونه به سلسله مراتب شکایت دست بدست می شد. هنوز از آن زمان چیزی نگذشته است که گروهی را در تنگنای ظلم قوه مجریه به استمداد می طلبیدید، قوه قضائیه می گفت تنها کسی که شکایت دارد و شاکی است حق حضور و دخالت در این پرونده را ندارد. و بدین ترتیب این قوه مجریه بود که اساس جان می گرفت.

در جهان جمهوریهایی اشراف که استبداد احزاب و نیرومندان است بسیار وجود دارد. از توطئه‌هایی که ممکن است در آینده بر سر راه شما قرار گیرد برای اسلام و مکتب و نوامیس فرزندان سخت بهراسید و در این ذره‌ای اغماض و احمال را جرمی عظیم در برابر وجود خطری خطیر بدانید.

حفظ مرکزیت قوا لازم است و بدست داشتن قدرت مجامع برای رشد انقلاب ادبی لازمتر. تقویت و تأیید و اطاعت از قوه مجریه صالح لازم است و قدرت روحی مباشرین قوه مجریه را محدود بر رعایت حدود منکتاب نمودن لازمتر. قدرت روحی شما نه فقط باید محفوظ باشد که باید در برابر ابزاریکه در آینده بصورت پیشرفته تری بدست قوه مجریه می افتد نیرومندتر شود.

اگر شکایت از مباشرین قوه مجریه محدود بفردها شکایتی شد و اجازه استنصار ولو در صورت پایمال شدن جق از ملت سلب گردید، باز هم دوباره ملت تک تک می شود و قوه مجریه مجتمعی حاکم باقی می ماند و استقلال قوه قضائیه هم به تنهایی کاری را از

پیش نمی برد ، چون همه تجا وزها ئیکه از میباشترین صادر می شود ، نه در یک زمان اتفاق می افتد و نه همه در یک موضوع مشترک می شود تا امکان حرکت در مقابل تجاوز مجریسه پیش آیند .

شما شهود عینی تاریخید ، قدرت عمل کرد مذهب را دیدید ، دیدید که تنها اسلام می تواند بزرگترین حسن شراقت شما باشد چه اینکه نیک می دانید که نیروی قیامت ناشی از اعتقادتان بوده است .

آیا خوب می دانید که این سنگ نورانی ، سازمانی است بر اساس حقانیت خود و متکسی به انگیزه و هدفخواهی فطری انسان ؟

و می دانید که می تواند بدون تکیه زدن به سازفاندهی تشکیلاتی در روابط عناصر اجتماعی به شهادت تاریخ از خود دفاع کند و با از دست دادن عناصر اجتماعیش فنا نپذیرد؟

آیا توجه دارید که قوانینش منحصر به قوانین فردی و احساناتی نیست

آیا توجه دارید که قدرت دفاعیش با داشتن قوانین اجتماعی بر علیه مفسدین در چه حد از اتقان و استحکام قرار دارد ، قوانینی که پیوسته منشأ درگیری توطئه گران با وی بوده است ؟

آیا در عینیت ندیدید که این قدرت دفاعی چگونه ابر قدرتهای توطئه گرو سازمان ساز و مجهز را عقب راند ؟

شما که شاهد قدرت قوانینش بودید و دیدید که چگونه آن قوانین بر قوانین مادی و قانونمندی ابزار غلبه کرد ، مبادا بسهل انگاری و وسوسه مغرضین کفران ورزیده از اسلام غفلت نمائید که او قدرت بقائش را در جهان ثابت نموده است و تنها شما ئید که در صورت غفلت بیچاره و حیران و زبون بازچه دست این و آن خواهید شد .

این امر غیر قابل تردید است که رشد و آسایش و عزت تنها در سایه قانونی میسر نیست که روابطش بر قوانین ماده حاکم باشد نه محکوم وی . دستیابی به ثبات و عزت و رشد در سایه قوانینی که محکوم قوانین ماده هستند پنداری باطل و خیالی محال بیعی نیست . خدای بزرگ برحمتش ماده را مسخر شما نموده تا از آن متنعم شوید نه آنکه ذلیل

و مسخر ماده گردید و مکتب این امکان خدازئی بزرگ را که ناشی از تفضل او است پاس دارید و در سایه امکانات وسیعش از مواهبش بهره گیرید و سازمان اجتماعیتان را

بر اساس پی ریزی کنید .

بشرطیکه خود کنترل بر دانش و دید امانت فردی و اجتماعی دانشمندان منهدم را بر اساس مکتب بدست گیرید و قدرت نظارت اجتماعی آنها را به عنوان قوه نگهبانی بالا برید ، بهترین طبقه ای هستند که می توان مسئولیت سنگین نظارت را به آنان سپرد . چه آنکه قدرت اجتماعی این طبقه متکی به انجم قدرت اعتقاد شماسه ، نه به روابط سازمانی .

آنها را مسئول نظارت کنید و از آنها مسئولیت بخواهید تا در تاریخ آتیه عذر اینکه قدرتی نداریم تکرار نگردد .

بعلاوه بر قوه نگهبانی از طریق حفظ قدرت محاجه نسبت به امانت و دانایی وی نظارت مستقیم نمائید تا اگر کسی در مظان زعامت قرار گرفت و منطقی توطئه بسازد مجریه برای تجاوز بود . نه منطقی دادگستر مکتب ، در برابرش قدرت افناگری و سلب اعتماد اجتماعی داشته باشید ، تا تنها افرادی در مقام نگهبانی تثبیت شوند که دانش و بینش ، عدالت فردی و اجتماعیشان برتری مسلم و حتمی داشته باشد .

و الاخطر پیدایش سپهسالاران نظامی بنام سیاسی مقدرات آتیه فرزندان را شدیداً تهدید می کند .

هر بند بند قانون اساسی منطقی و مفهومی موازنه منفی و مثبتش ، مرزها را در بین صالح و فاسد داخلی و در بین مرزهای جغرافیای سیاسی - اقتصادی تعیین می کند .

حریم مقدس و نورانی مکتب را بوسیله روابط سازمان اجتماعی محدود نکنید زیرا که سنگ محدودیت در قانون اساسی آنها در موازنه قوا گذارده می شود . مسئولیت الهی خود و فرزندان خود را نسبت به دفاع از مسلمات مکتب در قانون اساسی رسمی کنید تا روحیه دشمنان همدمت بیگانه تان و عوامل ابر قدرتها را به حدود مرعوب نموده باشید

توجه به موازنه منفی و مثبت قانون را ناچیز نشمرید که موازنه مثبت یعنی در امر قانونی و صلاح امت هم شما مسئولیت خدمتگزاری داشته باشید و هم دولت خدمتگذار شما باشد تا در خیر هر دو مؤید هم باشید و موازنه منفی یعنی اینکه تخلف افراد را به دست مجریه محدود کنید تا از هرج و مرج پیشگیری نموده باشید و تخلف مجریه را بدست ملت محدود سازید تا حکام خود گامه قدرت تسلط بر شما نیابند .

سپس ایران امروز چون سپس ایران دیروز بر اساس توطئه در روابط قومیت بر شما حکومت نمی کنند بلکه با پول شما مستخدم می گیرند و مجتمع می ساوند و تنها اگر اهتمام ورزید می توانید اختیارات سازمانی آنها را محدود کنید .

دلباخته پیروزی و هلهای خود نگردید .

این امر مهم موازنه را در قانون اساسی تثبیت نمائید ، تا قانون مکتبتان

حکومت کند نه افراد و احزاب . ابتکار عمل را بدست گیرید که آزادی قلم در جهان وسیله مستقیم و غیر مستقیم رشوه خواری شده ، قلم را محدود به رشد در خدمتگزاری نمائید . تا وسیله سوء استفاده نشود .

رشد اجتماعی را بوسیله اعلام رسمی محاجه بر اساس نظرات مکتب و حضور طرفین

تضمین کنید تا انگیزه اجتماعی بچار شتابزدگی در قضاوت نگردد . زیرا چگونه میتوانید قضاوت یکطرفه را در امور جزئی خلا دانسته منشأ شتابزدگی در قضاوت بدانید ولی قضاوت انگیزه اجتماعی را که به عظمت خودش بزرگتر است شتابزدگی بحساب نیاورید .

قانون اساسی باید بر دو اصل استوار باشد : ۱- حقانیت قانون ۲- حفظ قدرت اجراء

الف- در مورد اصل اول که بحمدلله زیر بنای معتقدات شما امتحان را در

تاریخ داده و خوب می دانید که استقلال و رشد همه جانبه ، سعادت و شرافقتان ، منوط به نیروی این معتقدات است .

آنها که حاضرند بگویند دمکراسی صحیح یعنی تجسم تمایل ملت ولی زیر بنا بودن

تجسم معتقدات یک ملت را لجوجانه غلط می دانند در اشتباهند .

آنها که با مکتب و قدرتش آشنائی ندارند ، قدرت قیام شما که ناشی از

مکتب بود مصروعشان کرده که حرفهای ضد و نقیض می زنند .

گوش به وسوسه های مفرغین ندهید . زیرا اگر محدود به جهان بینی نگردد قدرت غلبه امیال است .

آیا اینها نمی فهمند یا نمی خواهند بفهمند که تمایل اکثریت نمی تواند ایمان به قوانین نظام ایجاد کند ؟ زیرا این تمایل زمانی بنفع این قشر و زمانی بنفع قشر دیگر است و نهایتا چون پیروزی و شکست در جنگ ایمان به حدود اجتماعی ایجاد نمی کند، لذا نتیجه ای جز ایمان به ظلم در جامعه بوجود نمی آورد ، آنها ناموسی که تنها برای جامعه وسیله پیروزی قرار میگیرد .

در جنگ سیاسی درون اجتماعی ، که گاهی این قشر پیروز می گردد و گاهی آن قشر ، نتیجه تاریخیش این است که در سیاست خارجی گاهی اسیر این ابر قدرت گردیده و گاهی اسیر آن . مگر امکان دارد که زیر بنای جامعه اصالت مصرف باشد و در آن جامعه حب و در نتیجه انسجام پیدا شود ؟ جنگ سیاسی بر سر مصرف را نمی توان منشأ انسجام و استقلال دانست . مگر می شود شیوه حاکم بر ملت برای دستیابی به مصرف به وسیله قانون اساسی اصالت پیروزی سیاسی فرست گردد و کودتاه بگویند استقلال خارجی را بر موازنه منفی بنا می کنیم ؟! زیرا در تاریخ رابطه یک ملت با ملل دیگر بر اساس اصالت های آن ملت است . ساده تر بگویم مثلا اگر ملتی ربا را حق دانست در روابط خارجی نمی تواند آنرا ظلم بداند و با آن بجنگد . اینها جاهلند چون دور از مکتب اصیل رشد نموده اند و عامل بیگانه اند چون غلغ و خوی آنان بر اساس مکتبهای انحرافی نضج گرفته است .

ب- و در مورد اصل دوم در قانون اساسی مبتنی بر مکتب موازنه منفی و مثبت را اهمیت دهید . و الا اگر موازنه قوا را کنار گذارده باشید قوانین جزئی و پرمیاهو برای شما دردی را دوا نمیکنند . زیرا که تجاوزگران شما را از موضع دیگر تحت فشار قرار می دهند .

موازنه قوا را حفظ کنید و تا آنجا که می توانید سعی نمایید که از ذر قانونهای جزئی مبتنی بر اساس ضرورت های زمان در قانون اساسی دوری کنید تا اساس روابط اجتماعی شما مرتبا تغییر نکرده و در نتیجه متزلزل نگردید و تا دشمنان نتوانند به هوس دست اندازی در اساس روابط اجتماعیتان بیفتند .

بسمه تعالی

مقدمه

نظر به اینکه جمهوری اسلامی ایران - تجلی وحدت نیرومند معتقدات ملت معظم ایران است ،  
 و با توجه به تعالیم عالیہ اسلام و تبیین و تأکید صریح و تردید ناپذیر مکتب جعفری اثنی عشری بلزوم اهتمام و نظارت مستقیم بر مدیریت در زمان غیبت معصوم " صلوة اللہ و سلامہ علیہ " ،  
 و تأکید به حفظ و تأیید قطعی مدیریت و مرکزیت در صورت دارا بودن عدالت و لیاقت و صلاحیت ، از راه اطاعت و تبعیت و خیرخواهی در صورت و مسئولیت حتمی لزوم اعتراض و اقدام قانونی ممکن برای هر فرد علیہ مرکزیت در صورت تجاوز از حدود مسئولیت همه این نتیجه را بدست می دهد که :

حق مدیریت سازمان اجتماعی برای پیشگیری از هرچ و مرج و تغلف از قانون از بالا به پائین ، و حق نظارت عموم افراد ملت و اختیار آنان در پیشگیری از تجاوز بحدود قانون از پائین به بالا تثبیت می گردد .

با تجربه تلخ مشروطیت و مشاهده تبدیل شدن پیچیده جمهوریهای بنام دمکرات یا مکتبی به جمهوری اشراف، یا طبقه ای ، که طبق شواهد عینی مرزهای جغرافیای سیاسی جهان ، این تبدیل بر هیچ فرد بصیری پوشیده نمی تواند باشد لهذا امور ممکت ایران بوسیله پنج قوه اجراء می گردد تا از سه بعد ذیل منوط به نظر اکثریت قاطع ملت ایران باشد :

الف - شناخت و انتخاب جهان بینی بوسیله رأی اعتماد به شورای نگهبانی با حفظ آزادی منوط برشد و وحدت



و با رعایت شرایط قانونی .

ب- شناخت و انتخاب بهترین موضوع سازگار با جهان بینی

بوسیله انتخاب بهترین متخصص و معتمد در شنا -

سائی موضوعات با رعایت شرایط قانونی .

ج- انتخاب بهترین کیفیت اداری با توجه به حفظ شرایط

اجتماعی به وسیله انتخاب رئیس قوه مجریه با

رعایت شرایط قانونی .

قوای مملکت ایران که ناشی از معتقدات اکثریت ملت ایران می باشد به پنج

قوه که در حدود قانون از یکدیگر تجزیه می گردد رسماً مسئول وظائف

قانونی شناخته می شوند .

## قوای مملکت

قوه اول - قوه ملت - مسئولیت رسمی بودن نظارت و اختیار عملکرد مستقیم ملت با حفظ شرائط قانونی که ضامن حفظ و اجرای ابعاد حقوقی بالاخص نظارت مستقیم بر دید و قدرت و امانت عملی قوه نگهبانی بر سایر قوا می باشد .

قوه دوم - قوه نگهبانی - مسئول حفظ آزادی، منوط و مشروط بسه رشد و وحدت اندیشه در ایران بوده و مسئول رسمی استقلال فرهنگ و انجام اعتقاد و عمل و ناظر بر قدرت قانون در امور اجتماعی با رعایت شرائط قانونی می باشد .

قوه سوم - قوه مقننه - مسئول بررسی شرائط زمانی و مکانی و اجتماعی و شناسائی موانع در طریق دستیابی به مصالح عمومی با حفظ و رعایت شرائط قانونی .

قوه چهارم - قوه قضائیه - مسئول بررسی تالف و تمیز متخلف و حکم به اجرای عدالت در محدوده قوانین با حفظ و رعایت شرائط قانونی .

قوه پنجم - قوه مجریه - مسئول اداره کشور در انجام خدمات عمومی و اجرای قوانین و احکام قوه قضائیه و دفاع از حدود جغرافیای طبیعی، سیاسی، اقتصادی با رعایت شرائط قانونی .

## اصول مبین بنیان قانون اساسی

### اصل اول

پیروزی انقلاب ایران رسماً بر اساس نیروی اعتقاد و وحدت مذهبی اکثریت ملت ایران شناخته می‌شود.

### اصل دوم

قانون اساسی ایران تجلی معتقدات اکثریت ملت ایران است.

### اصل سوم

مذهب جعفری بعنوان بزرگترین عامل وحدت اکثریت و ضامن استقبال و تمامیت ارضی و سیاسی و اقتصادی کشور و حافظ آزادی، منوط به رعایت و وحدت ملی به رسمیت شناخته می‌شود.

### اصل چهارم

مذهب ایران مذهب جعفری اثنی عشری می‌باشد.

### اصل پنجم

این پنج اصل مبین قانون اساسی به شهادت تاریخ و رأی دهندگان موجود خونبهای عزیزان ملت ایران در انقلاب ایران در انقلاب جمهوری اسلامی شناخته می‌شود. و تنها بوسیله رفتارندم به ثبت نرسیده است لهذا غیر قابل تغییر محسوب می‌گردد و هیچ گونه تفسیری در هیچ زمانی بوسیله مجلس مؤسسان یا رفتارندم در آن ممکن نیست.

## قوه ماست

۱ - ملت مسلمان ایران سازمان دولت را برای اجرای قوانین متکلیفی به مکتبش تأسیس نموده و او را عهده دار این مسئولیت می شناسد .

۲ - هر فرد ایرانی حق دارد بر اجرای قوانین در کلیه امور جزئی و کلی مملکت نظارت کرده و در صورت مشاهده تخلف مشروط به شرایط امر - بمصروف و نهی از منکر رأساً اقدام کند .

۳ - در مواردی هر فرد ایرانی حق نظارت بر فرد یا سازمانی را دارد که مکتب بوسیله قانون این نظارت را وظیفه شمرده باشد در غیر این صورت قوه مجریه و عموم ملت مسئولیت تعقیب و مجازات قانونی فرد متخلف را دارند .

۴ - هر فرد ایرانی حق دارد با رعایت کامل حدود و شرایط امر بمصروف و نهی از منکر در صورت مشاهده عمل خلاف و قوانین متکلیفی به آن ، از هر فرد یا سازمان شخصاً مانع انجام عمل گردد .

۵ - هر فرد مسلمان ایرانی حق دارد طبق شرایط قانونی مبتنی بر مکتب ناظر بر عدالت و امانت شوراها ، عالی نگرهانی و شورا ، نمایندگی و شورای - متخصصین و عموم محققین و مبلغین منتهی باشد .

۶ - عموم افراد ایرانی حق دارند در راه دستیابی به مناصب قانونی با حفظ

شرایط از حمایت جامعه و دولت در حد امکان بر خوردار گردند .

۷ - هیچ منصب قانونی در انحصار شخص یا اشخاصی قرار ندارد و هر فرد مسلمان ایرانی حق دارد که با ابراز لیاقت در کسب شرایط لازم کوشیده و منصب مورد نظر خویش را احراز نماید .

۸ - هر فرد ایرانی حق دارد در :

- الف - اصول مکتب و کیفیت شناخت و جهان بینی
  - ب - کیفیت ارتباط بین متون و اصول جهان بینی
  - ج - کیفیت استنباط احکام از متون
  - د - کیفیت ارتباط بین قوانین مصوبه و متون اسلامی
- از طریق مطبوعات رسماً اعلام مراجعه نموده و آمادگی خود را جهت بررسی و بحث در محل مشخصی که بوسیله قانون تعیین می گردد ، بصورت آزاد و در انظار عمومی مطرح سازد .

۹ - شورای متخصصین موظف است برای پاسخ گویی بموارد مزبور در اصل فوق فرد یا افرادی را معرفی نماید . سایر خصوصیات لازم بوسیله قانون در قوه نخبه‌بانی تعیین گردیده است .

۱۰ - هر جزیده عمومی که قبول اعلام مراجعه را در موارد مذکور نموده است مسئولیت چاپ و نشر پاسخ شورای متخصصین و جریانات جلسه اعلام مراجعه را عیناً بدون کم و کاست دارد .

۱۱ - هر فرد ایرانی حق اعتراض و دفاع مستقیم از لغو و عدم عملی هر يك از مسلمات مذهب را با شرائطی که وسیله شورای نگهبانی اعلام می شود داراست

۱۲ - هر فرد یا گروه ایرانی حق دارد در برابر اجرا نشدن قوانین با حفظ شرایط قانونی اقدام به اعتصاب نماید .

۱۳ - هر فرد ایرانی حق دارد پس از اعلام دفاع از مکتب بوسیله شورای عالی نگهبانی طبق شرایط قانونی آمادگی خود را برای احکام دادگاه دفاع از مکتب اعلام نماید .

۱۴ - در صورت سرپیچی و طغیان رئیس جمهور و هیئت دولت و هر يك صاحبان مناصب دولتی که با مقامات طلاعی همکاری نمایند بدون استثناء در هر مقامی که باشند در مقابل اخبار عمومی شورای نگهبانی از منصب قانونی خود عزل می گردند ، و طبقه مادون بحسب مراتب سازمانی در هر رتبه ای که قرار داشته باشند تحت عنوان قوه ملت تشکیل شورا داده و در صورت احراز لیاقت در معاون ، وی را تا تعیین رئیس جمهوری عزل شده نصب نموده و آمادگی خود را به شورای عالی نگهبانی اعلام می نماید .

۱۵ - هر فرد ایرانی حق دارد در باره صلاحیت عمل فردی و اجتماعی اعضا -

شورای عالی نگهبانی نسبت به معتقدات و قوانین ناشی از مکتب از طریق اعلام مراجعه نظارت نماید .

۱۶ - هر فرد ایرانی حق دارد در صورت عدم اقناع بوسیله پاسخ شورای متخصصین یا نمایندگان شوراه اعلام محاجه خود را طبق شرائط قانونی در زمانهای مختلف تکرار نماید.

۱۷ - سکوت و بی تفاوتی هر فرد ایرانی در برابر تخلف قوه مجریه و استنصار مظلوم یا عدم نظارت بر قوه نگهبانی رسماً خیانت مستقیم به حقوق اکثریت ملت ایران محسوب می گردد.

۱۸ - حقوق قوه ملت برای همه افراد با حفظ شرائط قانونی ثابت بوده و برای همه سازمانهای دولتی و غیر دولتی لازم الاجرا خواهد بود.

قوه نگهبانی

۱- قوه نگهبانی حافظ آزادی منوط و مشروط به رشد و وحدت ایران بوده و مسئول استقلال فرهنگ و انجام اعتقاد و عمل قانونی در ایران شناخته می شود.

۲- قوه نگهبانی از شوراها ی ذیل تشکیل می یابد :

الف- شورای عالی

ب- شورای نمایندگی

ج- شورای متخصصین

شورای عالی

۳- شورای عالی از پند نفر مراجع عالیقدر که نماینده طبیعی اعتقاد ات

اکثریت ملت اند طبق شرائط قانونی تشکیل می یابد .

۴- مراجع فوق الذکر بوسیله شورای متخصصین بر اساس ملاکهای اعلمیت و عدالت

و اشتهار به فضیلت انتخاب شده و از طریق رسانه های گروهی رسمی کشور به مردم معرفی

می گردند . رأی اعتماد مردم نسبت به انتخاب آنان بعنوان نتیجه نهایی تلقی

می گردد . کیفیت اخذ رأی اعتماد عمومی در قانون مشخص می گردد .

۵- رأی نهائی شورای عالی بر اساس اکثریت آراء اخذ می گردد .



۶ - شورای عالی موظف است قبل از پایان هر دوره مجلس از شورا را برای متخصصین تقاضای انتخاب و معرفی بیست نفر را برای تشکیل شورای نمایندگی بنماید و سپس از بین این عده منتخبین شورای متخصصین پنج نفر را بعنوان اعضای شورای نمایندگی و نماینده شورای عالی انتخاب و رسماً به ملت و رئیس جمهور و مجلس بر اساس قانون معرفی نماید .

۷ - در جریان استیضاح دولت در صورت پیش آمدن اختلاف بین شورای نمایندگی و نمایندگان مجلس در رأی اعتماد و عدم اعتماد به دولت شورای عالی موظف است مسئله را بررسی و حکم نهائی را بریاست جمهور و ملت رسماً ابلاغ نماید .

۸ - شورای عالی نگهبانی حق دارد در صورت تخلف وزیر دفاع ملی از حدود قانونی مستقیم یا بوسیله رئیس جمهور بوی اخطار نماید . و در صورت عدم توجه رئیس جمهور و یا عدم توجه وزیر دفاع ملی به اخطار مستقیم ، موظف است وی را عزل و دیگری را نصب نماید .

۹ - شورای عالی موظف است در صورتیکه رئیس جمهور از حدود وظائف قانونی خویش تخلف ورزید بوی اخطار نماید چنانچه وی توجه لازم را مبذول نداشت شورای عالی مسئول است مراتب را به ملت معظم ایران اعلام نماید .

۱۰ - شورای عالی حق دارد در صورت سر پیچی رئیس جمهور و دولت از حقوق قانونی هر یک از شورای نمایندگی یا مجلس شورای ملی یا دیوان عالی قضائی ، شرایط دفاع از مکتب را طبق تشخیص ضرورت مکتب به ملت معظم ایران رسماً اعلام و مسئولیت قانونی را اخطار نماید .

۱۱ - شورای عالی حق دارد در صورت سرپیچی رئیس‌جمهور و دولت از حقوق قانونی هر يك از شورای نمایندگی یا مجلس شورای ملی یا دیوان عالی قضائی با رعایت شرائط زمانی دعوت مستقیم از دیوان عالی قضائی و مجلس شورای ملی نموده و اقدام به تشکیل شورای مرکزی دفاع از مکتب نماید .

۱۲ - پس از تشکیل شورای مرکزی دفاع از مکتب شورای عالی حق دارد دادگاه دفاع از مکتب را تشکیل دهد .

۱۳ - دادگاه دفاع از مکتب وظیفه دارد به شکایات واصله از هر يك از مناصب قوه مجریه رسیدگی نماید .

۱۴ - در مواردیکه شورای عالی نخبه‌بانی رسماً حق تأسیس شورای مرکزی دفاع از مکتب <sup>در صورت</sup> دارد استنکاف هر يك از دیوان عالی قضائی یا مجلس شورای ملی برای تشکیل شورای مرکزی دفاع از مکتب <sup>شورا</sup> حق دارد مجدداً تقاضای رأی اعتماد ملی نموده و در صورت اخذ رأی اعتماد رأساً اقدام نماید .

۱۵ - در صورتیکه قوه مجریه به هر گونه اقدام در پیشگیری از اخذ رأی اعتماد ملی دست‌زند شورای عالی نخبه‌بانی رأساً حق تأسیس شورای مرکزی دفاع از مکتب و ادامه مسئولیت‌های قانونی در جهت تجدید سازمان کشور را دارد .

۱۶ - در زمان انحلال شورای عالی، شورای نمایندگی تحت نظارت شورای متخصصین عهده دار انجام وظائف شورای عالی است.

۱۷ - در صورت فوت یا استعفای یکی از اعضاء شورای عالی، شورا بلافاصله از رسمیت ساقط شده و انتخابات مجدد برای تشکیل شورا بر منوال قبل انجام می‌گیرد.

۱۸ - شورای عالی موظف است بر مصوبات شورای نمایندگی مستقیم یا غیر مستقیم نظارت نماید و در صورت صلاحدید حق انحلال آنها دارد.

### شورای نمایندگی

۱ - شورای نمایندگی نمایندگان رسمی شورای عالی نگهبانی می‌باشند که از طریق قانونی انتخاب شده و معرفی می‌گردند.

۲ - روش انتخاب شورای نمایندگی بدینترتیب است که: ابتدا شورای متخصصین از بین خود بیست نفر را با اکثریت آراء انتخاب نموده و به شورای عالی نگهبانی معرفی می‌نماید و شورای عالی موظف است ظرف از میان این عده پنج نفر را بعنوان شورای نمایندگی انتخاب و رسماً به ملت و رئیس‌جمهور و مجلس معرفی نماید.

۳ - مدت هر دوره شورای نمایندگی ۴ سال است و شورا در هر دوره تا انتخاب و نصب اعضاء جدید مسئولیت انجام امور را بعهده دارد.

۴ - هر عضو شورای نمایندگی می تواند در دوره های متوالی به عضویت شورای  
انتخاب شود \*

۵ - شورای نمایندگی در انجام وظائف خود پیرامون نقد و بررسی موضوعی قوانین  
با شورای مستشاری مشورت می نماید \*

۶ - شورای مستشاری تعداد نشان بیست و پنج نفر بوده و در پایان هر دوره مجلس  
شورا بوسیله نمایندگان همان دوره از بین وکلای مجلس برای دوره آتی انتخاب  
و به شورای نمایندگی معرفی می گردند \*

۷ - شورای نمایندگی مصوبه مجلس شورای ملی را به شورای مستشاری ارائه داده  
و شورای مستشاری تحت نظارت مستقیم اعضا شورای نمایندگی نقد و بررسی و غور در  
مصوبه مجلس نموده و نظریه نهایی خود را رسماً به انضمام مصوبه مجلس به شورای نمایان  
نمایندگی تسلیم می نماید \*

۸ - شورای مستشاری بنا به درخواستی از طرف شورای نمایندگی موظف است بر اجرای  
قوانینی که بتصویب نهائی رسیده نظارت نموده و نتیجه نظارت خود را رسماً به شورای  
نمایندگی گزارش کند \*

۹ - گزارشات رسمی شورای مستشاری تنها قابلیت استناد رسمی برای شورای نمایان  
ندگی دارد \*

۱۰ - شورای مستشاری نسبت به گزارشات رسمی خود مسئول مستقیم در برابر شورای نمایندگی می باشد \*

۱۱ - رسیدگی پیرامون هرگونه افعال یا محافظه کاری یا اعمال غرض از طرف شورای مستشاری که موجب خیانت در مشاوره گردد بعهده دیوان عالی قضائی می باشد \* در صورت اثبات خیانت، فرد یا افراد از جمیع حقوق سیاسی محروم می - شوند \*

۱۲ - هرگاه مجلس شورای ملی از شورای نمایندگی و شورای مستشاری برای شرکت در مجلس دعوت رسمی به عمل آورد آنها موظفند که با ائتلافی در جلسه شرکت نمایند \*

۱۳ - شورای نمایندگی و شورای مستشاری حق دارند که هرگاه مایل باشند در جلسات مجلس شورای ملی در محل مخصوص خود حضور یابند \*

۱۴ - شورای نمایندگی موظف است بر اساس نظریه شورای مستشاری ارتباط مصوبه مجلس شورای ملی را با موازین مکتب ملاحظه نموده و در صورت مخالفت آنرا طرد و در صورت عدم مخالفت با موازین منتهب جعفری آنرا تصویب نماید و سپس به ریاست - جمهور احاله دهد \*

۱۵ - مصوبات مجلس شورای ملی تا زمانیکه به تصویب شورای نمایندگی نرسیده باشد قابلیت توشیح بوسیله رئیس جمهور نداشته و به هیچ وجه صورت قانونی

پیدا نمی‌کند \*

۱۶ - شورای نمایندگی حق استیضاح دولت بر اساس قانون دارد و دولت موظف است. در حضور نمایندگان مجلس و اعضا<sup>\*</sup> شورای نمایندگی استیضاح را پاسخ گوید و چنانچه مجلس رأی اعتماد صادر نماید دولت عزل می‌شود \*

۱۷ - در صورتیکه رأی شورای نمایندگی مخالف رأی اعتماد نمایندگان مجلس بود جریان عینا به شورای عالی نخبه‌بانی احاله شده و حکم شورای عالی در عزل یا ابقاء دولت رأی نهائی قلمداد و به ملت و رئیس‌جمهور و مجلس اعلام می‌گردد \*

۱۸ - رأی نهائی شورای نمایندگی با اکثریت آراء اتخان می‌گردد \*

۱۹ - چگونگی انتخابات لازم در شورای نمایندگی در آئین نامه داخلی مشخص

می‌شود \*

۲۰ - شورای نمایندگی در مقابل قوه ملت و قوه مجریه، شورای عالی، شورای متخصصین

مسئول است \*

۲۱ - چنانچه حکم محکومیت یکی از اعضا<sup>\*</sup> شورای نمایندگی

بوسیله دیوان عالی قضائی طبق قانون اثبات شود، وی از منصب خویش معزول می‌گردد \*

۲۲ - اعضای شورای نمایندگی در صورت شکایت شورای متخصصین یا هیئت دولت  
بالاتفاق در دیوان عالی حضور یافته و همگی حق دارند در دفاع از اتهاماتیکه به  
شورای نمایندگی یا یکی از اعضاء وارد شده اقامه دلیل نمایند \*

۲۳ - هر گاه یکی از اعضای شورای نمایندگی متوفی یا مستعفی و یا در هر صورت  
معزول گردد شورا منحل و شورای نمایندگی مجدد ظرف مدت حداکثر چهل روز طبق  
قانون باید معرفی شوند \*

### شورای متخصصین

۱- شورای متخصصین از اساتید، مصنفین، مؤلفین حوزه علمیه طبق شرایط قانونی تشکیل می یابد.

۲- هر یک از اعضای شورای متخصصین باید دارای صفات زیر باشد:

الف- قدرت تحقیق در شناخت و معارف اسلامی در حد استنباط

ب- قدرت تدریس حداقل سطح عالییه

ج- متصف بودن به صفات عدالت و امانت در اجرای احکام الهی

۳- ملائمت و تأیید خصوصیات فوقی این شرایط قانونی حوزه می باشد

۴- مدت هر دوره شورای متخصصین ده سال است که با انتخابات مجدد از بین

اعضاء و سایر افراد واجد شرایط تشکیل می شود.

۵- شورای متخصصین حتی نظارت مستقیم بر تمام مراحل آموزش

و پرورش از دوره کودکان تا پایان دوره متوسطه را دارد.

۶- در صورتیکه از طرف نمایندگی های رسمی دانشجویان هر یک از مؤسسات

آموزش عالی از شورای متخصصین برای ارسال نماینده جهت تدریس یا احتجاج یا

نظارت بر مفاد آموزشی دعوت بعمل آید شورای متخصصین موظف است هر چند نماینده را



۷- شورای متخصصین موافقت با حذف بر نامه آزاد مجامع طبق شرایط یاد شده در قانون بر وسائل ارتباط جغی نظارت نماید ، حدود این نظارت بوسیله قانون مشخص می گردید .

۸ - شورای متخصصین مسئولیت ارتقاء میزان رشد و سطح آگاهی ملت را از طرق ممکن در موارد ذیل دارد :

الف - حقوق و روش استفاده از آن

ب - مواردیکه در اصل قید شده است

ج - موضوعات سیاسی با ارائه تفسیرهای گوناگون

د - موضوعات اقتصادی و روابط آن

ه - اخلاق فردی و اجتماعی

۹ - شورای متخصصین موافقت بنا به تقاضای شورای عالی نگهبانی در شرایط پیش بینی شده در قانون ۲۰ نفر را از بین خود جهت شورای نمایندگی به شورای عالی نگهبانی معرفی نماید .

۱۰ - شورای متخصصین موافقت شخصیت های حائز شرایط عضویت شورای عالی را به ملت معرفی نموده در خواست دادن رأی اعتماد نسبت به پنج نفر آنان بنماید .

۱۱ - شورای متخصصین تحت شرایط قانونی مسئول رسمی انتخابات فوقی شناخته شده و موظف است پس از شمارش آراء نتیجه نهائی را به پیشگاه ملت اعلام نماید .

۱۲ - شورای متخصصین همواره در برابر ملت مسئولیت دارد که کسانی را که در مظان اشتباه و اعتماد به علم و تقوی قرار گرفته اند و شایستگی چنین اعتمادی را ندارند به عموم معرفی نماید .

۱۳ - هیچیک از اعضاء شورای متخصصین خود به تنهایی حق افشاگری فوق را ندارد و در صورت اقدام چنانچه نتواند مدعی خویش را در دیوان عالی قضائی اثبات کند مطابق قانون محاکمه ، از عضویت شورا عزل و تحت پیگرد قانونی قرار می گیرد .

۱۴ - شورای متخصصین موظف است پاسخ گوی مخاطب هر فرد ایرانی نسبت به موارد ذکر شده در اصل با شرایط قانونی باشد ، بدینصورت که يك یا چند فرد را از شورا یا خارج بعنوان نماینده شورا جهت اینکار اعزام می دارد و شورای متخصصین رسماً نسبت به این عمل مسئول است .

رئیس جمهور

۱- برای انتخاب رئیس جمهور ، شورای نمایندگی وظیفه دارد پنج نفر را از بیمن شورای مستشاری طرف مدت انتخاب نموده و به شورای عالی معرفی نماید \* و شورای عالی طی مدت یکپفته اسامی آنها را بعنوان نامزدهای ریاست جمهوری به ملت شریف اعلام می کند و ملت با رأی اکثریت خود یکی از افراد معرفی شده را بعنوان رئیس جمهور انتخاب می نماید \*

۲- هر فرد شیعه ایرانی برای دستیابی به پست ریاست جمهوری بایستی در طول زندگی صلاحیت های زیر را احراز نموده باشد :

الف- نیکنامی ، عدالت و آگاهی و بیخس در حد احراز یک دوره نمایندگی مجلس

ب- خدمت صادقانه ، رعایت امانت و انجام شایسته وظیفه در حد انتخاب

مجلس برای عضویت در شورای مستشاری

ج- رشد و آگاهی مذهبی ، تسلط بر مسائل سیاسی ، امانت و عدالت و قدرت

نظارت عملی در حد انتخاب شورای نمایندگی برای نامزدی ریاست جمهوری \*

۳- رئیس جمهور در مجلس شورای ملی در جلسهای که با حضور اعضای شورای نمایندگی

اعضای شورای ملی و رئیس دیوان عالی قضائی و مخبران رسمی رسانه های گروهی تشکیل

می شود موظف است سوگند زیر را ادا نموده آنرا امضا نماید :

من بعنوان منتخب مردم برای تصدی منصب ریاست جمهوری در

پیشگاه خداوند متعال و در برابر مردم والله وبالله و تالله

سوگند یاد می‌کنم که وفادار به قانون اساسی بوده و همه استعداد و لیاقت و مدیریت اجرائی خویش را در این راه خالصانه بکار بندم و در انجام وظیفه و در حراست از مرزها و استقلال سیاسی، اقتصادی فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و در این لحظه از شما ملت ارجمند تقاضا می‌نمایم در حفظ و حراست از خونبهای شهیدان انقلاب اسلامی کوشیده و در صورت مشاهده تخلف از دولت طبق حدود و وظائف قانونی خویش اقدام نمائید.

۴- رسمیت قانونی یافتن سمت ریاست جمهوری برای فرد منتخب منوط به امضا نمودن سوگند نامه قانونی فوق بدون کم و کاست و صدور فرمان چاپ سوگند نامه و حقوق قوه ملت در ظهر کلیه اوراق رسمی ادارات و سازمانهای دولتی می‌باشد. هیچگونه عذری از قبیل کمی بوجه و عدم امکانات دیگر پذیرفته نیست.

۵- در صورت فوت یا استعفا یا عزل رئیس جمهور ظرف مدت چهل روز طبق قانون انتخاب مجدد انجام می‌گیرد. البته رئیس جمهور مستعفی یا معزول تا استقرار ریاست جمهوری جدید عهده دار انجام وظائف ریاست جمهوری است مشروط به آنکه دست به توطئه نزند و الا شورای مرکزی دفاع از مکتب مسئولیت اداره کشور را دارد.

۶- در صورت فوت ریاست جمهور تا انتخاب مجدد و استقرار رئیس جمهور جدید نخست وزیر با همکاری شورای نمایندگی مسئول انجام وظائف ریاست جمهوری است.

۷- رئیس جمهور تا زمان رعایت تمام جمیع شرائط قانونی با آخرین مقام اداری

و اجرائی کشور شناخته می شود .

۸ - رئیس جمهور موظف به معرفی دولت ظرف حداکثر یک ماه پس از احراز پست ریاست جمهوری به مجلس شورای ملی و شورای نمایندگی است .

۹ - انتخاب نخست وزیر بعهده رئیس جمهور است .

۱۰ - فرماندهی قوای سه گانه مملکت بعهده رئیس جمهور است .

۱۱ - رئیس جمهور از طریق رئیس دولت ملزم به تأسیس سازمانهای لازم برای اجرای قوانین است .

۱۲ - رئیس جمهور موظف است دولت را مأمور نماید که مقاوله نامه قرار - دادهای خارجی و حدود آنها قبل از انعقاد مقاوله به عرض مجلس شورای ملی و شورای نمایندگی برساند .

۱۳ - هر گونه مقاوله نامه یا قرارداد خارجی منعقد شده بوسیله رئیس جمهور یا مناصب مسئول دولت اعم از اقتصاد سیاسی ، نظامی ، جغرافیایی و اعلام جنگ و صلح تنها پس از تصویب مجلس شورای ملی و شورای نمایندگی معتبر است .

۱۴. قضاوت بر کیفیت اجرائی رئیس جمهور بمسئله شورای عالی نگهبانی است .

۱۵. قوه مجریه موظف است حقوق اساسی ملت را که در قوه ملت ذکر شده در ظهر اوراق رسمی همراه با سوگندنامه رئیس جمهور چاپ نموده و از مأمورین تقاضای رسمی اجرای آنها را بنماید .

۱۶. مأمورین قوه مجریه کلاً موظفند در حدود قانون دستورات مافوق را اطاعت نمایند .

۱۷. قوه مجریه در هیچیک از سازمانها تحت هیچ عنوان حق ندارد قانونی را قبل از تصویب اجراء نماید .

۱۸. هیئت دولت در برابر شورای نمایندگی و مجلس مسئولیت مستقیم اجرائی قوانین تصویب شده را ندارد .

۱۹. قوه مجریه در صورت مشاهده خلاف از شورای نمایندگی حق دارد با اعتراض به آنان بوسیله رئیس دولت جریان را ابتدا به شورا تذکر داده و در صورت عدم توجه  
 ← بقیه در صفحه ۲۹

۱۹. قوه مجریه حافظ آزادی عمل عموم ملت ایران مشروط و منوط به قانون و عهده دار اجرای قوانین مصوبه می باشد .

بشماری از فهرست مبنای فلسفی <sup>مقدمه</sup> قانون اساسی

- ۱- وطن و وطن‌انگیزه است، قدرت‌پاینداری، در تاریخ به قدرت‌انگیزه متکی است
  - ۲- تا هر جا که هوی، فرض داشته باشد جدال فرض دارد انجام و وعده و وطن‌پر  
انگیزه اقتصادی و هوی استوار نمی‌گردد.
  - ۳- جامعه و وطن جز بر اساس تقوی بوجود نمی‌آید.
  - ۴- از تالی آزادیخواهان سرگردان جز ظلم به بشر نمی‌رسد.
- نتیجه کلی :
- ۵- راهی جز راه انبیاء الهی برای سعادت فرض ندارد.

## فلسفه قانون اساسی

بشر چون دارای انگیزه و قدرت اختیار است می تواند ایجاد وطن را اختیار کند .

## ۱- فرق بین مکان و وطن :

مکان برای فرد یا جمع ضرورت دارد ولی بتنهائی و بطور منتقیم ضرورتاً وطن مطرح نمی گردد و طرح وطن بتواند يك ضرورت احتیاج به امر دیگری دارد .  
فرد نیاز طبیعی به جمع دارد :

حرکت فرد مختار تا اختیار نکند بوجود نمی آید و اختیار نمودن فرض ندارد مگر بعد از تصمیم و قصد و انگیزه ، بنا بر این پیدایش جمع منوط به انگیزه موثر درگردد -  
هم آیی افراد است و این انگیزه بطور فطری متکی به دو امر می تواند باشد :  
الف - حداقل گریز از مخاطرات است و میزان گریز موجود مختاریکه نقصان طبیعی آنست در رابطه با میزان درگیری و پیدایش رشد و آگاهی وی بنقصان خود تشدید می -  
گردد .

اگر منشأ جمع شدن این امر باشد جامعه بوجود نمی آید و وطن هم ایجاد نمی گردد چون برای هر کس آلام خودش مطرح است و بر این جمع خصلت گله و وحوش حاکم می گردد . که در عین آنکه منافع هر يك با منافع دیگران تخاصم دارد و لذا هر يك برای دیگران و دیگران برای هر يك خطر بحساب می آیند . خطر بزرگتر آنها ابدور هم جمع نموده ، هم از یکدیگر می ترسند و هم ترس بزرگتر آنها را مجبور به جمع شدن نموده است .  
این جمع هر قدر گسترده تر باشد و نظم سازمانی و تجهیزات درست کنند ، نتیجه توحش منظم است ، نه پیدایش جامعه . چون این ربط طبیعی آنها نیست و اینها مجبور به ارتباط شده اند . لذا خیانت منظم که موجب خطر برای شخص خائن نگردد و منافعی را بیشتر کند امریست طبیعی .

ولی جامعه نیاز به فدکاری دارد ، نیاز به استقبال خطر رفتن دارد و با این

زیر بنا متناقض است .

ب- و حداکثر نیل به طرف کمال است که علت جمع شدن می گردد آنهم نه آنکه کمال را وسیله برای رفع نقص کند بلکه کمال گرایش متکی به اختیار حق گرایمی



باشد ، این انگیزه و این اختیار زیر بنای جامعه قرار ندارد چون قدرت فداکاری برای غیر هم در آن فرض می شود لذا "حب" و "انسجام" هم فرض دارد ، حتی نحوه خشونتش هم با قسم اول کافلا فرق ندارد و می تواند منقأ تنفر در تاریخ نگردد بلکه مؤید "حب" باشد :

و چون انگیزه عامل جمع شدن افراد است ضرورتاً انگیزه مقدم بر استقرار است بنا بر این مکان به توان وطن نمی تواند مؤخر از انگیزه نباشد ، ذاتاً وطن بر انگیزه استقرار دارد و بقاء آن منوط به امریست که استقرار آنرا بصورت ثانوی مطرح میسازد . بنا بر این برای يك انگیزه که جامعاً افراد يك جامعه باشد یعنی قدرت جامعه - سازی داشته باشد وطن نه تنها بصورت يك مکان مطرح است بلکه بصورت يك مکان و پایگاه طبیعی مثل سایر امکانات اساسی در جهت نضج و رشد و نشر و گسترش یافتن مبنای جامعه ضروری می باشد .

خصلت آن منوط به قدرت پایداریش می باشد و قدرت پایداریش منوط به قدرت انگیزه است . در صورتیکه آن انگیزه متکی به امری ضعیف مثل (قومیت) یا متکی به امری تخیل مثل (کمونیسم) باشد چنانچه ذیلاً بیان می گردد پایداریش طبیعتاً ناچیز خواهد بود

xxxx      xxxx      xxxx      xxxx      xxxx

نتیجه کلی قسمت اول - وطن ، وطن انگیزه است و قدرت پایداریش در

تاریخ به قدرت انگیزه متکی است .

وطن نمی تواند جز بر انگیزه منجم استقرار یابد

میبداً انسجام انگیزه و وحدت آن بوسیله نیاز اقتصادی انسان فرض ثبوت هم ندارد و نقض پندار یکسانی و وحدت در خانواده های اولیه انسان بوسیله نیاز اقتصادی ریشه طبیعی دارد که با ملاحظه روابط طبیعی ذیل یکسانی و وحدت اعضا خانواده بشری چه در گذشته و چه در آینده به هیچ وجه امکان طبیعی ندارد.

الف - اختلاف امکانات ریشه طبیعی دارد، چون جهان نظام دارد و اختلاف عناصر و اجزاء یک نظام طبیعی است و حداقل اختلاف در کیفیت و کمیت و روابط یک سیستم قابلیت تردید حتی در ابتدای ملاحظه فرض هم ندارد. زیرا نظام بر کم و کیف و اختلاف روابط استوار می گردد.

انسان که طبیعتاً یک کیفیت است رابطه مادیش با امکانات جهان نمی تواند تابع این اصل نباشد. انسان خود یک سیستم است و در عین حال رابطه تگون مادی وی با سیستم جهان ماده قطع نیست لذا اختلاف قوا در بنیه و هوش و استعداد حتی در یک منطقه و در یک فرد هم بحسب سنین مختلف طبیعتاً امری ضروری است.

ج - بعد از ملاحظه عدم یکسانی امکانات در رفع نیاز مادی بشر و اختلاف قوای انسانها نسبت به دستیابی بر آنها

در صورتیکه انگیزه حرکت انسان، بر رفع نیازهای مادی استوار گردد آیا جز پندار گونه بودن انسجام و وحدت خانواده های بشر فرض دیگری هم دارد؟

چون یا اختیار وجود دارد یا ندارد، اگر وجود دارد ظلم قوی طبیعی و ضروری نمی گردد و ثمره اش جز تنفر و انزجار و در صورت امکان تلاشی رابطه نمی تواند باشد.

همگی کیفیات مختلفند و نیز اختلاف رابطه آنها با انسان تردید پذیر نیست مثلاً از سادترین امکانات و اختلافات رابطه های محسوس مانند رابطه قسمت های مختلف کره زمین تا قسمت های مختلف یک اطاق و یک شهر و یک مملکت آنها در فصول مختلف و اختلاف و تغییر آن در سیدت ضعف نیاز و نیز امکانات پیچیده روابط دژوئی ماده که در رابطه با رفع نیاز خاص انسان نیرومندتر و نیرومندترین و ضعیف تر و ضعیف ترین غیر قابل انکار است

چه رسد به آنکه . . . وحدت فرض شود و وطن پدیدار گردد .  
 و اگر اختیار وجود دارد و زیر بنای حرکت صرفاً رفع نیاز مادی باشد امانت  
 و فداکاری بهیچ وجه فرض ندارد و در صورت چندین زیر بنائی تغییر و رشد ابزار هم  
 برایشان در آتیه دردی را دوا نمی کنند که اگر تشدید قوا موجب قدرت اختلافی  
 انسانهای مختلف در قوا و اسارت ضعیفا بنیست این طبقه یا آن طبقه نگردد ،  
 جز رشد امکان چیزی نمی تواند فرض داشته باشد تا چه رسد به آنکه از غایت غرض  
 و نهایت حیرت در جهالت بگویند انگیزه رفع نیاز مادی منسجاً و مبدأ انسجام و  
 وحدت می گردند .

در عین آنکه یکسانی قوا در مقام ثبوت هم اگر فرض امکان داشت قدرت اختیار  
 عدل و ظلم بر اساس هوی و انگیزه رفع نیاز نتیجه ای بیخیز تنازع نمی توانست داشته  
 باشد یا آنکه این آقایان منکر عدل و ظالمند و بیپوده هیاهوی عدل سر می دهند .

xxxxx      xxxxxx      xxxxxx      xxxxxx

نتیجه کلی قسمت دوم : تا هر جا که هوی فرض داشته باشد جدال فرض دارد  
 انسجام و وحدت و وطن بر انگیزه اقتصادی و هوی  
 استوار نمی گردد .

پندار استوار و وطن بر نژاد نا چیز و سست بنیان است

استقرار وطن بر رابطه جنسی که مبدأ پیدایش خانواده و فامیل و قبیله و قوم و نژاد است به تنهایی به ضرورت طبیعی ممکن نیست .

زیرا اساساً رابطه جنسی به تنهایی نمی تواند مبدأ وحدت و انسجام فرضی گردد چون بر نیاز جنسی استوار است و اگر در این رابطه هنر زیست ( که کیفیت ابراز احساس نسبت به زیست ) تابع منطق زیست ( ضرورت های طبیعی زیست خانوادگی ) نباشد . مبدأ بغض و تشقت می گردد بضرورت آنکه نیاز جنسی با توجه داشتن به اختلاف کیفیت در سمت دوم سخن از تنازع مستثنی نیست و چون اینگونه حرکت صرفاً بر اساس رفع نیاز است لذا مبدأ حب و بغض و تشقت می گردد منشاء حب و عاطفه و وحدت که خانواده بر آن استوار است .

و در صورت استقرار بروز احساس نیاز جنسی بر منطق ایجاد خانواده گرچه در پیدایش و پایداری آن بدون منتهی جای سخن بسیار است چون مقنن و مجری سنن اقوام بدون داشتن منتهی حق خالی از میل و هوی نیستند و با توجه به اینک که استقرار منطق بر هوی میسر نیست زیرا که استقرار قید بر نقیض آنست در صورت فرض پایداری هم ، وطن نمی تواند به تنهایی بر عاطفه خانوادگی استقرار داشته باشد ضرورت طبیعی نیلای برسی می شود :

الف- علیرغم رو به رشد بودن افراد يك قوم شدت انسجام مربوط به عاطفه خانوادگی در محدوده خانواده ها باقی می ماند و به نسبت فاصلت روابط خانوادها این خبر رو به سستی و نکت می گذارد زیرا شدت حسب طبیعی بین دو برادر بر اساس رحمت به تنهایی با دو عمزاده ای که روابط رحمت آنها با یکدیگر بسیار دور قرار گرفته و در دو قبیله هستند که حتی از رابطه رحمتشان هم اطلاع ندارند قابل قیاس نمی تواند فرض شود گردد .

ب- ضرورت پیشرفت و گسترش تجارب و اختلاف استعداد و امکانات که مبدأ تخصص و تفرق اشتغال می گردد و امکان زیست يك فامیل را در آثار هم غیر ممکن می سازد .

و این تفرق شغل و بعد مکان اشتغال موجب تضعیف امکان ربط گیری می گردد

و این تفرق عقل و بعد مکان اشتغال موجب تضعیف امکان ربط گیری می گردد .  
 بلکه مبدأ انس با فامیل های دیگر شده که ضرورتاً انس قبل را تضعیف می کند و هر  
 چند رحمت بر صحت نظام رابطه جنسی استوار باشد ولی انس هم منشأ توجه مکرر  
 است .

ج- سابقاً در قسمت اول ضرورت اختلاف قوای افراد را با یکدیگر و نیز  
 رابطه گسترده گی امیال را با سطح در گیری و آگاهی در حداقل ضرورت جمع شدن  
 افراد ، بیان نمودیم که میزان آرزوی غیر تخیلی طبیعی را تعیین می نماید .  
 اکنون به بررسی میل طبیعی به مدیریت بر روابط اجتماعی ، و رابطه آن با  
 نیاز فردی و اجتماعی و حدود تأثیر آن ، که ضرورتاً به تنازع اختیار فرد و اجتماع  
 محدود می گردد در رابطه با اختلاف قوا که طبیعتاً زمینه تأثیر اختیار است می پردازیم  
 قدرت شدت میل ، رابطه طبیعی و ضروری با میزان قدرت قوا دارد . زیرا  
 فرض شدت ، تابع وجود قدرت قوا در همان بعد است ، هر چند امکان بروز نداشته  
 باشد .

و چون موضوع دیگر طرف رابطه ، جزء مسخرات اولیه مانند جنادات و بعض  
 حیوانات نیستند و همگی دارای قدرت اختیار و انتخاب هستند ، باور مستقیم ضرورت  
 طبیعی تأثیر شدت میل بر اجتماع ، منوط به قدرت وی با اجتماع می گردد . هر  
 چند مستقیماً این ارتباط ناشی از قدرت همان فرد نباشد مانند تسلیم شدن زود -  
 گذر اجتماع به امیال شاهزاده ی کم قدرت ،

اما تأسیس آن رابطه منوط به قدرت طبیعی فرد - مؤسس می باشد که آنها هم  
 در رابطه با اصطکاک و تنازع اختیار در صورت محکومیت آن ارتباط به روابط  
 طبیعی تعیین می گردد .

و چون اقویای یک قوم منحصر بفرد نیستند و بضرورت آنکه ارتباط اجتماعی  
 دو طرف را داراست ۱- مدیران ۲- افراد جامعه که همگی نیز دارای قدرت  
 اختیارند و همگی نیز دارای نیاز و میل اند لذا تنازع اختیار ضرورتاً اقتدار و  
 پایداری آنها را تعیین می نماید و محدودیت تنازع به دو امر اساسی است که  
 در دو بخش مورد توجه قرار می گیرد :

## اول - اختیار ارضاء نیاز و میل

دوم - اختیار انگیزه حق گرائی و کف نفس

اما بخش اول - که منحصراً متعلق به اختیار مدیران و افراد جامعه انگیزه رفع نیاز طبیعی و ارضاء شدت امیال است و محرك مدیران و رابطه اجتماعی و محرك افراد عمومی و ترس است . در این صورت ناشی رابطه نژادی بین قبیله‌های آن قوم و ملت به ضرورت طبیعی در استمرار اجتناب ناپذیر است . زیرا قدرت وحدت و انسجام ناشی از صحت رابطه جنسی محدود به خانواده‌ها و فامیل بوده و (این محدودیت در همین قسمت در بخشهای القوب ذکر گردید) و بنا بر این، توانمندی آن نسبت به انسجام و وحدت بخشیدن به قبیله‌های مختلف در تشکیل جامعه و گزینش پایگاه طبیعی و ایجاد وطن غیر ممکن است چون دفاع از خانواده به ضرورت طبیعی غیر از دفاع از مسکن است و دفاع از مسکن پس از پیدایش وطن مطرح می‌گردد . لذا به صرف دستیابی بر رفع نیاز بیشتر در مسکن دیگر ، چون رابطه وی با مسکن اصیل نیست رابطه سکناش با مسکن اول قطع و تبدیل به حدود محدوده عادت و انس و قدرت بقا آن عادت و انس می‌گردد .

بنا بر این مبدأ جمع شدن فامیل‌ها و قبیله‌ها ، مختلف بگرد هم یا منحصراً آن بر انگیزه رفع نیاز طبیعی است ، چکه خوف ناشی از تهاجم اقوام دیگر و از دست دادن آنچه را برای ارضای نیاز مسخر نموده است باشد ، یا آنکه بر انگیزه رفع نیاز طبیعی بوسیله تهاجم بر اقوام دیگر باشد .

و در این صورت چون اختیار عمومی افراد تعیین کننده را به ضرورت طبیعی عهده‌دار است نمی‌تواند فداکاری را برای مدیریت رسیدن این متجاوز یا آن متجاوز انتخاب نماید زیرا که این انتخاب نه بر انگیزه حق گرائی و کف نفس عمومی می‌تواند استوار باشد و نه بر انگیزه رفع نیاز طبیعی و ارضاء میل استوار است و با اختیار بی طرفی عمومی و ضرورت اختلاف امکانات طبیعی و اختلاف قوای مدیران و در صورت تساوی بتجزیه منجر گشته و در صورت عدم تساوی قدرتمند غلبه می‌نماید و به اقتدار دست می‌یابد ولی استمرارش ممکن نیست .

اما در صورت وجود شدت خطر ناشی از تهاجم اقوام دیگر که اختیار عموم را ضرورتاً متوجه قدرتمندتر می نماید و بیه ضرورت طبیعی قدرتمند به اقتدار می رسد -

ولی چون وحدت و انسجام بر تنازع هوی و هوس یعنی رفع نیاز طبیعی جمع استوار نمی گردد این گونهمایی نمی تواند استمرار پیدا نماید و اضحلال و تجزیه آنها غیر قابل تردید است بنا بر این هرگونه تشکیلات سازمانی بین عناصر اجتماع در صورتی که بر اساس رفع نیاز طبیعی و ترغیب هوسها و امیال باشد هرچند جامعه و وطن را ایجاد می کند ولی ضرورتاً نمی تواند موجب پیدایش و پند آورنده وطن باشد تاریخ بشر مملو از شواهد این خصالت و روابط طبیعی است

تخیل و برتری نژادی هم نمی تواند منشأ ایجاد وطن گردد - چون با نداشتن رابطه منطقی منشأ تجاوز به اقوام دیگر می گردد و این تجاوز متکی بر انگیزه رفع نیاز طبیعی به هوسها است سایر اقوام بشر، گرچه منشأ وحدت و انسجام و فداکاری گذرا می گردد ولی استمرارش ضرورتاً غیر ممکن است - زیرا سایر اقوام هم بشوند و دارای قدرت اختیار، و انتخاب اسارت نمی تواند بر انگیزه حق گرای یا انگیزه رفع نیاز طبیعی منطبق گردد بنا بر این تنازع دو اختیار ضرورت طبیعی دارد و این تنازع طبیعتاً موجب از بین رفتن تخیل می گردد -

اما بخش دوم - اختیار انگیزه حق گرای و کف نفس از تجاوز :

منشأ محبت طبیعی است و ضرورتاً به میزان قدرت تأثیر بر روابط اجتماعی منشأ وحدت نیز می گردد - زیرا تجاوز مدیریت متجاوز تنازع با اختیار عمومی دارد و در بررسی گذشته ثابت گردید که بهمین ضرورت اضحلال اقوام طبیعی است - در این طرف نقیض هم منشأ وحدت و انسجام می گردد ( که قدرت استمرار و ثبات و فداکاری آن منوط به امر خطیر دیگری است که در قسمت چهارم مورد بررسی قرار میگیرد ) و قدرت قوای اقویا و شدت میل ناشی از آن تبدیل به شدت میل به پیشگیری از

تجاوز اجتماعی می گردد ، که در صورت قدرت استمرار بر مدیریت متجاوز غلبه پیدا می کند . زیرا گرچه بصورت گذرا ممکن است اختیار عمومی جامعه به واسطه ترس یا یا هوس ، بی طرفی نسبت مقدم علیه متجاوز یا طرفداری از متجاوز میل نماید ولی چو تخیلی است و قدرت بقا آن ضرورتاً به قدرت بقا تخیلی می باشد از بین رفتن با درگیری با عینیت دارد زیرا حرکت مدیریت متجاوز هم با انگیزه رفع نیاز طبیعی که محرک میل به دستیابی و ترس از دست دادن عمومی است تنازع دارد و هم با انگیزه حق گرای متناقض است لذا ضرورتاً " اختیار عمومی جامعه بر علیه متجاوز تغییر موضع داده در صورت قدرت استمرار مطلوبیت متجاوز غیر قابل اجتناب است . بنا بر ضرورت های طبیعی خواهد عینی و وجدان ضرورت آنها وطن جز بر اساس تقوی وجود نمی آید و اقتدار آن و استمرار آن جز بر قدرت و اتقان بنیان تقوی استوار نیست . لذا پیدایش آن منوط به قدرت و انسجام روابط آنست که در صورت انسجام روابط همانگونه که نیاز جنسی در انسجام رابطه موجب حسب و انسجام می گردد روابط اجتماعی هم موجب حسب و فداکاری می گردد و در صورتیکه روابط زیر بنای روابط اجتماعی است انسجام نداشته باشد یعنی صرفاً تخیل انسجام باشد قدرت استقلال ندارد و قدرت ایجاد وطن هم بوسیله چنین اساسی منوط به بقا تخیل و بسیار ناچیز است .

نتیجه کلی قسمت سوم :-

« جامعه و وطن جز بوسیله تقوی وجود نمی آید »



شرا به دیوان عالی قضائی شکایت نماید و دیوان عالی قضائی موظف به رسیدگی و صدور حکم است.

۲۱ - در هیچ شرائطی سازمانهاییکه تحت اهره قوه مجریه هستند نمی توانند بعنوان پاکسازی امنیتی از عوامل مخرب یا هر گونه عضو دیگری مانع رابطه فرهنگی و نظارت قوه نگهبانی در آن سازمان گردند.